

**نویسنده:** لاورنس سیلین (Lawrence Sellin).  
**منبع و تاریخ نشر:** واشنگتن اکزامینر «2017-05-18».  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

---

## چرا پاکستان میخواهد که ایالات متحده امریکا در افغانستان بیازد

why Pakistan wants the US to lose in Afghanistan



پاکستان با داشتن انگیزه اقتصادی قابل توجهی در صدد حذف هرگونه نفوذ کشورهای غربی در افغانستان میباشد.

پاکستان تنها «چین» نه ایالات متحده امریکارا بعنوان شریک استراتژیکی بلند مدت خود می بیند.

پاکستان همواره افغانستان را بحیث یک کشور مشتری، یک کشور حایل امنیتی در برابر آنچه که اگر خود را در محاصره بالقوه هند دریا بد می بیند و میخواهد تا افغانستان را بعنوان تخته پرشی برای گسترش نفوذ اش بغرض دستیابی به منابع غنی انرژی آسیا مرکزی مورد استفاده قرار دهد.

اکنون پاکستان با داشتن انگیزه اقتصادی قابل توجهی در پی حذف هرگونه نفوذ کشورهای غربی در افغانستان میباشد.

کوریدور به اسم دهلیز اقتصادی چین و پاکستان ، معبری است که بخشی از کمر بند  
و جاده بزرگتر چین را در بر میگیرد که هدف از این دهلیز اقتصادی اتصال آسیا از  
طریق زمینی و دریایی به مناطق اقتصادی میا شد.

دالان اقتصادی پاکستان – چین (China-Pakistan economic corridor=CPEC)  
یک پروژه زیرساختی «زیربنایی» است که ستون فقرات اتصال شبکه حمل و نقل  
چین به بند گوادر در پاکستان و کراچی واقع در دریای عرب را در خود احتوا مینماید که  
این شبکه حمل و نقل به مناطق خاص اقتصادی و پروژه های انرژی منتهی و وصل  
میگردد که این پروژه های انرژی کمی و کمبود از مدت ها طولانی انرژی پاکستان را  
مرفوع خواهد ساخت .

هما نظر که توسط فوربیس (Forbes) اشاره شده است ، این پروژه زیرساختی  
ویا پروژه ای زیربنایی برای پاکستان یک پروژه بسیار بزرگ و با اهمیت تلقی شده  
میتواند ، پروژه ای که پاکستان را با برداشتن یک گام بزرگ با ایجاد یک اقتصاد رسیده  
وبالغ به جلو خواهد راند .

دالان اقتصادی پاکستان - چین برای «چین» از مسیر غرب به نفت شرق میانه و قاره  
سوم غنی افریقا راه را باز میکند و از سوی دیگر این دالان اقتصادی پاکستان و چین  
عطش جاه طلبی های پکن را فرو خواهد نشاند و به محاصره هند مخالف متحد طبعی  
چین یعنی پاکستان خدمت قابل ملاحظه ای خواهد نمود .

گسترش این دالان اقتصادی پاکستان و چین به افغانستان برای چین و پاکستان نیز  
سودمند خواهد بود که اهداف اقتصادی توسعه این دالان اقتصادی شامل برآورد بهره  
برداری بیش از (3) تریلیون دلار از منابع مینرال های دست نخورده افغانستان میباشد .  
خروج نظامیان ایالات متحده امریکا و «نا تو» از افغانستان به چین این فرصت را خواهد  
داد که چین در عوض حق استخراج معدن افغانستان به بازسازی این کشور جنگ زده  
بپردازد .

در اینجا آنچه که قابل تذکر است این است که ستیزه جویی اسلامی از مدت های قبل  
طولانی یک عنصر از سیاست خارجی پاکستان بوده و تا هنوز هم هست همانطور که در  
آوایل سال (1950) توامیت واتحاد جمعیت اسلامی مستقر در پاکستان با اسلامیت ها  
ویا اسلام گرایان افغانستان منعقد شد .

در سال (1974) نخست وزیر پاکستان ذالفقار «بوتو» یک شعبه خاصی را در داخل  
استخبارات اداره پاکستان (آی اس آی) ایجاد نمود تا اسلامیت های فرار افغان مقیم  
در پاکستان را تحت نظارت داشته تا آنها را بهتر مدیریت نماید – بتاسی از حافظه  
تاریخ باید گفت که جنرال ضیا و الحق پاکستانی در سالهای (1977-1988) به یکی از  
جنرالهای خود گفت «افغانستان باید در گرمای حرارت بلند جوشانده و سوختنا نده شود»

حمایت کنونی پاکستان از طالبان فقط تکرار اخیر از یک سیاست بلند پاکستان برای نفوذ و بی ثبات ساختن افغانستان است، در گذشته ها بی ثباتی در افغانستان تا حد ممکن برای پاکستان سود آور بوده اما آنچه که اکنون مشاهده میشود چنین است که پاکستان از دمب بپراسلا می قایم گرفته است.

از سوی دیگر این موضوع و یا مطلب تا هنوز روشن نیست که طالبان با گرفتن کنترل مجدد افغانستان آیا تمام خواسته های پاکستان را فراهم خواهند ساخت و یا که تمام پلان های طرح شده بین المللی «چین» جامه عمل خواهد پوشید و یا اینکه طالبان بطور گسترده تر با ارایه یک پتری دیش (ظرف بشقاب مانند شیشه ای که اکثراً در لابراتور مورد استفاده قرار میگیرد) در برابر بی ثبات سازی افغانستان توسط پاکستان موانعی ایجاد خواهند کرد چنانچه که طالبان در طول دوره های سال (1990) هنگامیکه آنها بر افغانستان حکومت میکردند آنها سه مراتب تقاضا های پاکستان را مبنی به رسمیت شناختن خط دیورند بعنوان مرز دائمی بین افغانستان و پاکستان رد نمودند.



پتری دیش

تحقق و یا انطباق موفقانه ای پروژه ای دالان اقتصادی پاکستان - چین به ثبات و امنیت بلوچستان یکی از ایالت های بزرگ پاکستان تعلق میگیرد جایکه در آنجا بندر گوادر و بندر کراچی موقعیت دارد.

این منطقه فراملی قومی مخلوط دربرگیرنده ساحات جنوب غرب پاکستان، شرق ایران و جنوب افغانستان میباشد که در این ساحات نفوس مردم بلوچ و پشتون ها نسبت به دیگر اقوام و ملیتها بیشتر میباشد و اقوام متباقی مسکون در اینجا براهویی ها (Brahui) هزاره ها، سندی ها و پنجابی ها میباشند.

از سال (1948) به اینطرف بلوچستان به مهد شورش ها و خیزش های بلوچ های ملی گرا علیه دولت های پاکستان و ایران مبدل شده است.

پاکستان شاید روزی از اینکه طالبان را بعنوان ابزار بخاطر برآورده شدن خواسته های و پالیسی های بیرونی خود مورد استفاده قرار داده است پیشیمان خواهد شد چونکه ثبات یک پیش نیاز برای توسعه اقتصاد موفق میباشد و تامین ثبات و مصونیت به ذات خود آنقدر ساده و بسیط هم نیست تا که برای توسعه یک اقتصاد بهتر ثبات را به آسانی

فراهم ساخت .

کسا نیکه با شورش و خشونت زندگی میکنند آنها میتوانند که با شورش و خشونت بمیرند و یا درگذرند یا کسا نیکه برای دگرها چاه حفر مینمایند روزی خود در این چاه خواهند افتاد لذا پاکستان شاید روزی همچو اعمال ناپسند خود را به یاد خواهد آورد .

**چند سطر در مورد نویسنده این مقاله : لارونس سیلین** دارند د پیلوم (PhD)

بازنشسته ارتش امریکا ، فرمانده فن اوری اطلاعات ، و کارشناس کنترل موضوعات آموزش دیده در زبان عربی و کردی و یک جانبدار از افغانستان ، شمال عراق و ما مور خدمات کمک رسانی های بشردوستان به غرب افریقا .

----- **با تقدیم سلامها «2017-05-19»**